

Construction, Maintenance, and Restoration of Religious Minorities' Places of Worship in the View of Imāmī Jurisprudence¹

Mahdi Nourian 

Assistant professor, Islamic jurisprudence and fundamentals of Islamic law, Faculty of Islamic Sciences and Researches, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin. Iran; (*Corresponding Author*); nourian@isr.ikiu.ac.ir

Zahra Sadat-Najmabadi

PhD student. in Islamic jurisprudence and fundamentals of Islamic law

**Justārḥā-ye
Fiqhī va Uṣūlī**

Vol.8, No.26
Spring 2022

Receiving Date: 2020-08-11; Approval Date: 2020-12-24

189

Abstract

The peaceful coexistence of citizens in an Islamic society can appear in many forms, one of which is the provision of appropriate bicultural opportunities. Facilitating the affairs of religious minorities' places of worship is one example of this. However, some critics may portray the granting of permission to non-Muslims, in

1. *Nourian – M ; (2022); “ Construction, Maintenance, and Restoration of Religious Minorities' Places of Worship in the View of Imāmī Jurisprudence “; Jostar_ Hay Fihi va Usuli; Vol: 8 ; No: 26 ; Page: 189-220 ; doi:10.22034/jrj.2020.58533.2122*

© 2022, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

this case, to be incorrect as it relies on socio-cultural influences or the illusion of cultural domination. Therefore, it is necessary to adopt both rational approaches by examining the theoretical contexts of the discussion and to prevent going to extremes by explaining the position of Islamic shari'ah in this area. By critically examining the jurisprudential opinions and relying on documentary analysis, the present study has considered the Islamic judge in the agreement based on the interests of the Islamic society to have the necessary and sufficient authority in this regard while rejecting the basis of prohibition and its evidence and based on the principle of freedom of thought and action of citizens in Islamic society. This study examines this problem by presenting the approving proofs for this opinion with a permissible approach and solves it. Therefore, this study first rescinds the principle of prohibition (*aṣl al-ḥurmat*) in this issue by scrutinizing the four main approving proofs of prohibition in each of the hypotheses of construction, maintenance, and restoration through rejecting the evidence, then relying on the two principles of *ibāḥah* (permissibility) and concomitance of permission to the object with permission of its essential necessities, it considers the recognition of expediency as the main basis in resolving this problem by the Islamic judge in the circle of the freedom of action and the principle of thought.

Keywords: the Contract of Dhimmīs, Religious Minorities, Places of Worships, Islamic Government, Peaceful Coexistence.

احداث، نگهداری و ترمیم معابد اقلیت‌های دینی در فقه امامیه^۱

مهدی نوریان 

استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین -
ایران (نویسنده مسئول) رایانامه: nourian@isr.ikiu.ac.ir

زهرا سادات نجم‌آبادی

دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین - ایران

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

۱۹۱

چکیده

همزیستی مسالمت‌آمیز شهروندان در جامعه اسلامی نمودهای مختلفی می‌تواند داشته باشد که از جمله آن‌ها تمهید فرصت‌های مناسب زیست - فرهنگی است. از نمونه‌های تجلی این امر تسهیل امور مربوط به معابد و پرستشگاه‌های اقلیت دینی است. با وجود این، ممکن است برخی منتقدان با تکیه بر تأثیرات فرهنگی - اجتماعی یا وهم سلطه فرهنگی، اعطای مجوز به غیرمسلمانان در این حوزه را امری ناصواب جلوه دهند. بنابراین ضروری است تا با بررسی زمینه‌های نظری بحث، گامی شایسته در اتخاذ رویکردهای خردورزانه برداشته شود و نیز با تبیین موضع شریعت اسلامی از افراط و تفریط در این حوزه جلوگیری

۱. نوریان، مهدی. (۱۴۰۱). احداث، نگهداری و ترمیم معابد اقلیت‌های دینی در فقه امامیه، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، ۸(۲۶)، صص: ۲۲۰-۱۸۹.

به عمل آید. پژوهش حاضر با بررسی انتقادی آرای فقهی و با تکیه بر تحلیل اسنادی، ضمن رد مبنای تحریم و ادله آن و براساس اصل آزادی اندیشه و عمل شهروندان در جامعه اسلامی، حاکم اسلامی را در توافق، براساس مصالح جامعه اسلامی دارای اختیار لازم و کافی دانسته و با ارائه ادله موافق این قول، با رویکردی تریخی به این مسئله پرداخته و آن را حل کرده است. بر این اساس ابتدا با نقد موشکافانه چهار دلیل اصلی موافقان حرمت در هریک از فرض‌های احداث و نگهداری و ترمیم را از طریق رد ادله نقد کرده است و اصل حرمت در مسئله را منتفی نموده است. آن‌گاه با تکیه بر دو اصل اباحه و ملازمه اذن به شیء با اذن به لوازم آن، تشخیص مصلحت توسط حاکم اسلامی را در دایره اصل آزادی عمل و اندیشه شهروندان، مبنای اساسی در حل این مسئله دانسته است.

کلید واژه‌ها: عقد ذمه، اقلیت دینی، معبد، حکومت اسلامی، همزیستی مسالمت‌آمیز.

مقدمه و بیان مسئله

لازمه زندگی انسان وجود جامعه و زندگی اجتماعی است و آن گونه که در پژوهشی مستقلی به اثبات رسیده است، دسترسی و مشارکت فرهنگی حق شهروندی در برخورداری‌های فرهنگی است، به نحوی که علی‌رغم شاخص بودن شرع مقدس، حق برخورداری‌های فرهنگی حقی بشری و عام دانسته شده است. از جمله نمودهای عنیت یافتن آن در حکم به جواز نگهداری از اماکن مذهبی و احداث معابد و مراکز جدید مذهبی یا نواختن ناقوس کلیساها است (نوریان و آدینه، ۱۳۹۶، ۸۷). با وجود این، برخی آرای فقهای امامیه در مخالفت با عمومیت چنین حقی قرار گرفته است. شاید بتوان نگاه برخی فقیهان بر ممنوعیت بلندمرتبه‌سازی بناهای غیرمسلمانان در جوامع اسلامی را که مبتنی بر قاعده نفی سبیل است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۱/۲۸۴). از جمله مستندات نگاه مضیق به حیات اجتماعی اقلیت‌ها دانست، اما آنچه از بررسی‌های صورت گرفته به دست آمده است، هیچ‌یک از آنان در خصوص حکم به حرمت معابد اقلیت‌های دینی، بر این دلیل تمسک نکرده‌اند و چه بسا علت اصلی رویکرد آنان توجه به آثار فکری و عقیدتی حضور چنین مراکزی در جوامع اسلامی بوده باشد. از این رو فقیهان امامی بیش از آن که بر قاعده نفی سبیل و مبانی اعتباری آن استدلال

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۹۲

کرده باشند، بر مبانی حرمت نشر افکار ناصواب تاکید ورزیده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در مقابل، نگاه پژوهشگرانه برخی به لزوم عمومی‌سازی قاعده همزیستی مسالمت‌آمیز مؤید این سخن است که آزادی متقابل مسلمانان در ممالک غیراسلامی از جمله مبانی پذیرش آزادی اقلیت‌های دینی غیرمسلمان در جوامع اسلامی بوده است. آنان با بررسی تحولات تمدنی در جهان امروز و بنابر ضرورت حفظ نظام اجتماعی، تعارض بسیاری از موارد قانون‌پذیری مسلمانان در جوامع غیراسلامی را به‌عنوان یک اقلیت در آن جوامع با قاعده نفی سیبیل منتفی دانسته‌اند (قبولی، احمدوند و فخلی، ۱۳۹۷، ۱۲۸). با احترام به این سخن شاید بتوان نگاه جامع اسلام را به زیست مبتنی بر قاعده ضرورت حفظ نظام اجتماعی، مبنایی اساسی در دوران معاصر به‌شمار آورد که از هم‌تیدگی‌های روابط میان ملت‌ها برخوردار است و حضور مؤثر ارتباطات ناشی از فضای مجازی در هم‌شکننده انحصار حضور فیزیکی در این دوران شده است (غوث، ناصری‌مقدم و مهریزانی، ۱۳۹۵، ۱۱۱). ضمن این که باید قاعده ضرورت حفظ نظام در این حوزه را با توجه به اصل آزادی اندیشه و مشروعیت حق برخورداری‌های فرهنگی شهروندان در جامعه اسلامی مورد نظر قرار داد.

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

۱۹۳ علاوه بر حق مذکور و عمومیت آن، بررسی موضوع از زاویه زیباشناختی بناها و آثار آن بر هویت جامعه اسلامی نیز خالی از لطف نخواهد بود، چرا که مناظر شهری از جمله موضوعات مهم در معماری شهری است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی آن (به‌ویژه در بناها و امکان خاص) و همچنین به‌جهت تأثیر ویژگی‌های عینی و ذهنی آثار معماری بر شهروندان، عاملی هویت‌ساز به‌شمار آمده است (مصطفوی‌صاحب و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۳۲)، زیرا آن گونه که پژوهشگران تصریح نموده‌اند، «ذهن انسان تصویر ذهنی شهر را بر مبنای تأثیرات حسی، تجربه‌ها و خاطره‌های شخصی، قضاوت، زیبایی‌شناسی، تجربه‌های گروهی و خاطره‌های جمعی، حوادث تاریخی و چارچوب فرهنگی ارزش‌ها و آرمان‌ها و ایده‌ال‌ها ایجاد می‌کند، از این‌روست که رفتار شهروندان هم به فضاهای شهری شکل می‌دهد و هم در محیط‌های شهری شکل می‌گیرد» (سیاف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲، ۳۱). به نحوی

که می‌توان جوامع شهری را به واسطه ویژگی‌های مناظر شهری و نشان‌های شهری موجود در آن به پیروی از مکاتب فکری خاص منتسب کرد، چرا که «ادراک بیننده از قابلیت‌های نهان عناصر منظر به پیشینه‌های اجتماعی فرهنگی و حتی اقتصادی و مذهبی نیز برمی‌گردد» (شرقی، ۱۳۹۰، ۵۳). بر همین اساس و آن‌گونه که پژوهشگران حوزه معماری شهری به آن اشاره کرده‌اند، رویکردهای نشانه‌های شهری قرینه‌ای بر صحت این ادعا و البته بیانگر اهمیت و تأثیر فرهنگی - اجتماعی مناظر شهری هستند (مصطفوی صاحب و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۵۴-۳۵۳). بنابراین «نمادهای شهری نظام ارزش‌ها را نشان می‌دهد و نمی‌توان آن را از بعد فرهنگی متمایز کرد» (عاملی و دیگران، ۱۳۹۱، ۸۲).

وجود اقلیت‌های دینی و بهره‌گیری آن‌ها از آداب و اسلوب خاص که می‌تواند در امکان دینی آنان بروز و ظهور بیشتری نیز داشته باشد، مشمول همین قاعده عمومی تأثیر منظر شهری بر هویت‌سازی شهر قرار می‌گیرد. با وجود این، فقیهان امامی فارغ از چنین مبانی نظری و صرفاً بر اساس منابع معتبر استنباط حکم، دیدگاه‌های متفاوتی را در خصوص بناها و مکان‌های متعلق به اقلیت‌های دینی به‌عنوان یکی از نمونه‌های فراوان تنوع مناظر شهری و برخورداری‌های فرهنگی ارائه کرده‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر نگهداری و ترمیم معابد اقلیت‌های دینی را به‌جهت نقش دیدگاه‌های فقهی بر سیاست‌گذاری و تدوین قوانین شهری و نیز تجویز یا ممنوعیت احداث، از نگاه فقیهان امامی بررسی کرده‌است. اهمیت و ضرورت این پژوهش تا آن‌جاست که اولاً با توجه به جایگاه فقه در حقوق موضوعه ایران، ثمره اختلاف دیدگاه فقهی بر قوانین مرتبط با حفظ و نابودی ابنیه تاریخی تأثیر مستقیم خواهد داشت، به این بیان که حکم به ممنوعیت ترمیم و نگهداری ابنیه مذکور می‌تواند منجر به نابودی برخی نمونه‌های خاص شود که ممکن است از شهرتی جهانی نیز برخوردار باشند، در حالی که تجویز ترمیم‌پذیری ابنیه متعلق به اقلیت‌های دینی، اقدامی مهم در حفظ میراث فرهنگی ملموس گروه‌های اقلیتی جوامع به‌شمار خواهد رفت. ثانیاً با توجه به گستره جریان قوانین در حوزه اقتصادی، درآمدهای اقتصاد گردشگری نیز از تنظیم سیاست‌گذاری و تدوین قوانین براساس هریک از دیدگاه‌های فقهی پیش‌گفته تأثیرپذیری فراوانی خواهد داشت و البته این‌ها همه غیر از آثار تنش‌زای اجتماعی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۹۴

میان شهروندان در جوامعی است که از تنوع زیست دینی برخوردارند. بر این اساس، پیش از نقد آرای فقهی و بیان نظر منتخب، تبیین مفهومی اقلیت‌های دینی و کلیت آرای فقیهان امامی به‌عنوان مبانی نظری، بحث اجتناب‌ناپذیر است.

ادبیات پژوهش و پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق

حقوق اقلیت‌ها موضوعی چالشی است که همواره مورد توجه و کنکاش نظامات حقوقی قرار گرفته است. بررسی‌های انجام گرفته ناظر بر وجود برخی پژوهش‌ها است. پژوهش‌هایی همچون کتاب حقوق اقلیت‌ها (عباسعلی عمید زنجانی)، اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز (عباسعلی عمید زنجانی)، امام علی علیه السلام و حقوق اقلیت‌ها (عباسعلی عمید زنجانی)، حقوق متقابل مسلمانان و اهل کتاب (جعفر آریانی)، رابطه دولت مدینه با اقلیت‌های دینی (سید محمد ثقفی). از میان کتب اهل سنت می‌توان به مواطنون لا ذمیون (فهمی هویدی) و غیر المسلمین فی المجتمع الاسلامی (یوسف قرضاوی) اشاره کرد که حسن غوث و دیگران به آن ارجاع داده‌اند (غوث، ناصری مقدم و مهریز ثانی، ۱۳۹۵، ۹۱-۹۰). با وجود این، نگاهی جامع به آثار مذکور بیانگر توجه پژوهشگران مذکور به عموم حقوق اقلیت‌ها در منابع اسلامی است و حداکثر توجه ایشان به موضوع مناسک به‌عنوان حقی از حقوق شهروندی اقلیت‌های دینی است و این بیانگر اخص بودن پژوهش پیش‌رو نسبت به این موارد است.

برخی دیگر از اندیشمندان در پژوهش‌های مرتبط با حوزه حقوق اقلیت‌ها به بررسی قاعده نفی سبیل و نقش آن در تحکیم و تضعیف این حقوق اشاره کرده‌اند. از این میان، می‌توان به بررسی قاعده نفی سبیل و بعضی از نمودهای آن در فقه و حقوق (سیمایی صراف، ۱۳۷۹)، قاعده نفی سبیل و تطبیقاتها (کامران و امیری فرد، ۱۳۹۴)، قاعده نفی سبیل و چالش قانون‌پذیری اقلیت‌های مسلمانان در کشورهای غیراسلامی از نگاه فقه شیعه (قبولی، احمدوند و فخلعی، ۱۳۹۷)، بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکرد به اندیشه‌های امام خمینی (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱) و نیز تأثیر قاعده فقهی نفی سبیل بر روابط بین‌الملل مسلمانان (حسینی و ناظری، ۱۳۹۵) اشاره کرد. بررسی این پژوهش‌ها نیز

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

۱۹۵

گواه تأثیر نداشتن این قاعده بر احکام مرتبط با معابد اقلیت‌های دینی است. تنها پژوهشی که با رویکرد فقهی به بررسی حکم معابد اقلیت‌های دینی پرداخته‌است، مقاله آقای معینی فر و همکاران او است. این مقاله موضوع پژوهش حاضر را با رویکرد تطبیقی میان آرای فقهی مذاهب مختلف اسلامی واکاوی کرده‌است (معینی فر و جوادنیا، ۱۳۹۶) در حالی که جایگاه مبنایی آرای فقهی امامیه در حقوق موضوعه ایران مستلزم تمرکز در این حوزه فقهی است. ضمن این که برخی نقدها بر پژوهش او، واکاوی مجدد مسائل آن را البته با رویکردی نو و کاربردی ضرورت بخشیده‌است. آقای معینی فر و همکاران او پس از دقت نظر در آرای فقهی مذاهب مختلف اسلامی به ارائه یک جمع‌بندی کلی از آن‌ها اکتفا کرده‌است، حال آن که پژوهش حاضر با دقت نظر در مستندات پیشینیان به انتخاب دیدگاه دست یافته‌است. از این رو پژوهش حاضر با انحصار بحث بر آرای فقهی امامیه تلاش کرده‌است تا ضمن بهره‌مندی از جامعیت و رویکرد کاربردی از طریق نقد آرای فقیهان امامی که در خلال کتب و اندیشه‌های فقهی آنان قابل دریافت است، دیدگاهی نو و جامع‌الاطراف در موضوع «احداث، نگهداری، تعمیر و تجدید بنای معابد اقلیت‌های دینی» ارائه کند. بر این اساس، پژوهش پیش رو هم از جهت گستره موضوع و هم از جهت رویکرد پژوهشی، متفاوت از پژوهش مشابه خویش است، چرا که به جای بررسی جداگانه فروع بحث، اصل حرمت و ادله آن را به طور کلی بررسی کرده‌است.

علاوه بر موارد مذکور ماهیت عقلایی حقوق بشر به خصوص در حوزه اقلیت‌های دینی موضوعی است که انجام آن در پژوهش‌های مرتبط با حقوق شهروندی (نوریان و آدینه، ۱۳۹۶). پژوهش حاضر را از بررسی مجدد مبنای فوق مستغنی کرده‌است. بنابراین با تکیه بر پیشینه استدلال‌های عقلی بر حق مشروع بشری در برخورداری‌های فرهنگی که از جمله آن‌ها اصل مشروعیت عام برگزاری مناسک دینی و مراکز مرتبط با آن برای عموم شهروندان در جامعه اسلامی است، در این پژوهش صرفاً نفی ادله استنادی در اثبات حرمت احداث، حفظ، نگهداری و ترمیم معابد اقلیت‌های دینی مورد توجه قرار گرفته‌است.

اقلیت‌های دینی

واژه اکثریت و اقلیت به‌عنوان دو مفهوم مقابل یکدیگر، عبارت از صفت کمی جمعیت بیشتر در مقابل جمعیت کم‌تر است که هر دو جمعیت از دریچه عنوان واحد همچون فرهنگ یا تصدی حکومت ملاحظه شوند، هر چند ممکن است جمعیت کم‌تر به‌واسطه هویت متمایزی که از سایر اعضای جامعه دارند مورد تبعیض و تحقیر یا ستم قرار گیرند (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ۴؛ جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۷، ۷۳؛ دشتی، ۱۳۹۰، ۳۶). صفت دینی اقلیت بیانگر مقصود آن براساس دین در مقابل اکثریت جامعه بر همین اساس است. مطابق اصل ۱۳ قانون اساسی، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند. اقلیت‌های دینی در ادبیات فقهی با عنوان کافر و غیرمسلمان تعبیر می‌شوند که مقصود از کافر منکر وجود خدا یا یگانگی او یا رسالت پیامبر یا یکی از ضروریات دین است به گونه‌ای که مستلزم انکار رسالت شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۱/۶۷). فقیهان امامی در یک تقسیم‌بندی کلی کافر را به کتابی و غیرکتابی تقسیم کرده‌اند که براساس این تقسیم‌بندی تنها کافر ذمی که سلطه قانون حاکم بر جامعه اسلامی را پذیرفته‌اند و التزام خویش را از طریق امضای قراردادی با حکومت به‌ثبت رسانده باشد، از حقوق شهروندی برخوردار خواهد بود، هر چند کافر معاهد و مستأمن نیز از حقوق شهروندی به‌صورت موقت برخوردارند و این تا زمان پابندی آنان به مفاد معاهده و صرفاً تا پایان مدت آن است (روحانی، ۱۴۱۲، ۱۳/۵۲-۵۰). از میان تمامی اقسام کافر، تنها کافر ذمی به‌عنوان اقلیت دینی مقصود این پژوهش است که همچون سایر شهروندان جامعه اسلامی از حقوق شهروندی برخوردار است و براساس قانون حکومت موظف به حمایت از آنان است.

معابد اقلیت‌های دینی در آرای فقهی

پیروان هر آیینی در انجام برخی یا تمامی مراسم دینی خود به عبادتگاه‌ها نیازمندند و نام مخصوصی بر آن می‌نهند که از این اماکن در کتب فقهی به بیعه، کنیسه،

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

۱۹۷

صومعه و آتشکده برای اهل کتاب تعبیر شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۷۷/۳-۷۸؛ خمینی، بی تا، ۵۰۴/۲) و برایشان احکام مشترکی بیان شده است، هر چند به جهت دو متغیر نوع سرزمین و موضوع مورد اقدام (احداث، نگهداری، مرمت، تخریب و تجدید بنا) اختلاف دیدگاه وجود دارد، چرا که سرزمین های اسلامی اقسام مختلفی دارند و برخی از آنها پیش از اسلام برای کفار نبوده اند و مسلمانان اقدام به تأسیس آنها نموده اند، مانند بصره، بغداد، کوفه، سامرا و تهران، و برخی دیگر، پیش از اسلام نیز وجود داشته اند و کفار در آنها ساکن بوده اند، اما با جنگ به سلطه مسلمانان درآمده اند که به اصطلاح آنها را مفتوح العنوة می گویند مانند خیبر و شام و برخی از شهرهای ایران، و برخی دیگر نیز بدون جنگ و خونریزی و با صلح به تصرف مسلمانان درآمده است، مانند بلخ، طرابلس، آذربایجان، نیشابور، و برخی نیز به واسطه صلح و گرفتن خراج، در ملکیت سابق خویش برای کفار باقی مانده است (خمینی، بی تا، ۵۰۴/۲؛ معینی فر و جوادنیا، ۱۳۹۶، ۲۷-۲۳). بنابراین با توجه به تنوع سرزمین هایی که به نوعی تحت حاکمیت دولت اسلامی قرار گرفته است، در بیان احکام اختلاف شده است.

جستارهای فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶
بهار ۱۴۰۱

۱۹۸

آنچه در نگاه مشهور امامیه قدرمتیقن فرض شده و حتی بر آن ادعای اجماع کرده اند، حرمت احداث این معابد در بلاد اسلامی است. برخی تا به آن حد حکم حرمت احداث را مسلم دانسته اند که بدون ورود تفصیلی، حکم به حرمت عام هرگونه احداث معبدی داده اند و بر اعتبار سخن خویش به اجماع اصحاب تمسک کرده اند (حلی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۴؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۱/۳۷۱). این درحالی است که مطابق برخی آرای تفصیلی، چنانچه مالکیت سرزمینی برای مسلمانان باشد، هرگونه احداث معبد برای غیر مسلمانان در آن حرام است، اما چنانچه مالکیت سرزمینی به هر دلیلی برای غیر مسلمانان باشد، اقلیت های دینی در حفظ، تعمیر، تجدید بنا و حتی احداث معابد جدید مختار خواهند بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۱/۲۸۳؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۹/۳۴۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۷۷/۳-۷۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۵/۱۸۸؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ۲/۴۶).

وجه تفصیل دیگر شرط یا عدم شرط معبد اعم از نگهداری، تعمیر، تجدید بنا یا احداث آن در قرارداد ذمه میان مسلمانان و غیر مسلمانان است. برخی معتقدند

در صورت شرط اقدام نکردن، موارد مذکور جایز نیست و در صورت شرط امکان یا عدم شرط، موارد مذکور جایز است. از این رو چنانچه شرط عدم شود، اقلیت‌های دینی مجاز به نگهداری، تعمیر، تجدید بنا یا احداث معابد نخواهند بود و ارتکاب آنان به موارد مذکور به منزله نقض قرارداد تلقی می‌شود و حاکم اسلامی موظف به تخریب معابد مذکور و جلوگیری از بقای آنان در بلاد مسلمانان خواهد بود. بنابراین چنانچه در قرارداد ذمه امکان موارد چهارگانه فوق شرط شود یا حتی عدم آنها در معاهده فیما بین شرط نگردد، اقلیت‌های دینی به ارتکاب آنها مجاز خواهند بود (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۲۸۰-۲۸۱؛ خمینی، بی تا، ۲/۵۰۴).

وجه تفصیل سوم سبقه وجودی بنا است. بر این اساس، چنانچه بنای مذکور پیش از حاکمیت اسلامی وجود داشته باشد و اقلیت‌های دینی با حکومت اسلامی قرارداد ذمه را امضا کنند، نگهداری و تعمیر بناهای مذکور جایز خواهد بود و گرنه بر حاکم اسلامی است که معابد ایشان را تخریب کند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۲۸۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳/۷۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ۱/۴۹۸؛ حائری، ۱۴۱۸، ۸/۵۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۵/۱۸۸). حال در میان این تشست آرای فقهی فهم نظر منتخب و بیان دلیل و نقض ادله مخالفان مطلوبی است که پژوهش حاضر به بررسی آن اقدام کرده است. اما از میان اقوال مطرح آنچه از حرمت و تجویز مطلق تا تفصیل، مدنظر قرار گرفته است بررسی مدارک حرمت و نقد آن است، چرا که تعیین دلالت و اعتبار مستندات قول به حرمت در هر یک از دیدگاه‌های سه گانه فوق روشنگر نظر منتخب و محدوده تریخ خواهد بود.

مدارک قول به حرمت

عمده دلایلی که مخالفان نگهداری، تعمیر، تجدید بنا و احداث معابد اقلیت‌های دینی، به آن تمسک کرده‌اند و براساس آن حکم به حرمت موارد چهارگانه فوق نموده‌اند عبارت‌اند از:

۱. عموم ادله وجوب قلع ماده فساد

برخی امامیه معتقدند عبادتگاه غیرمسلمانان برای انجام عباداتی است که باطل

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

و بدعت است و اعمالشان بر مسیر گمراهی و گمراه کننده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵۲۰/۷-۵۱۹) و چون از مصادیق حفظ بیوت ضلال است، احداث و نگهداری آن حرام خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸۰/۲۱). برخی دیگر علاوه بر این معتقدند با توجه به همین مبنا نه تنها احداث و نگهداری آن‌ها حرام است بلکه از بین بردن آن‌ها بنا بر عموم ادله و جوب قلع ماده فساد واجب است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۸۸/۱۵). اما نوع تعلیل فقها بر حکم مذکور بیانگر نقش مالکیت و جایگاه آن در حکم است، مثلاً صاحب جواهر علی رغم لحاظ قید اشتراط عدم احداث در قرارداد ذمه معتقد است، نه تنها اهل کتاب نمی توانند عبادتگاه‌هایشان را در سرزمین‌های اسلامی احداث کنند، حتی موافقت با احداث آن‌ها نیز جایز نیست. او در پایان با اشاره به دلایل مختلف این حکم، ریشه و مبنای اصلی را مالکیت مسلمانان بر این سرزمین‌ها دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸۰/۲۱). یا مقدس اردبیلی با طرح عنوان دارالمسلمین به مالکیت زمین‌های این معابد اشاره کرده و معتقد است اگر هر یک از معابد غیرمسلمانان در سرزمین‌های اسلامی ایجاد شود، ازاله آن‌ها واجب است و این حکم جای تردیدی ندارد و روشن است که تخریب این بناها به جهت باطل بودن و بدعت بودن عبادت آنان و به جهت گمراه و گمراه کننده بودن آن‌ها است، اگرچه با بیان تفصیلی، سبقه وجودی بناها را در حکم بدون تأثیر ندانسته‌اند، اما نهایتاً در صحت چنین تفصیلی شک و تردید کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵۲۰/۷-۵۱۹).

بر این اساس، حکم حرمت احداث و نگهداری یا وجوب تخریب از معابد غیرمسلمانان، صرفاً شامل زمین‌هایی است که مالکیت آن‌ها به هر یک از اسباب تملک برای مسلمانان است، بنابراین تفاوتی ندارد که اصل ایجاد چنین سرزمین‌هایی توسط مسلمانان صورت گرفته باشد، مانند بصره و بغداد و کوفه و سامرا یا این که سابق از این وجود داشته و در ملک غیرمسلمانان باشد اما با جنگ یا صلح به تملک ایشان درآمده باشد. به هر حال تمامی آن‌ها مشمول این دیدگاه هستند و فقها با استناد به مصداق ضال و مضل بودن آن‌ها احداث و نگهداریشان را حرام دانسته‌اند و برخی مطابق ادله و جوب قلع ماده فساد و ازاله پلیدی از جامعه اسلامی، تخریب آن‌ها را واجب دانسته‌اند. آری، اگرچه فقها در استنباط و استدلال خویش به ادله

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۰۰

مرتبط با حرمت حفظ بیوت ضلال اشاره‌ای نکرده‌اند، اما با توجه به تصریح عنوان بیوت‌الضلال در تعبیر از بناهای مذکور، می‌توان مبنای پذیرفته‌شده آنان را همان ادله مطرح در حرمت حفظ کتب ضلال دانست. بنابراین استناد برخی فقها به عموم ادله و وجوب قلع ماده فساد در حکم به حرمت نگهداری کتب ضلال از یک سو (روحانی، ۱۴۱۲ق، ۲۶۳/۱۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ۳۳۹-۴۴۰) و وحدت حکم و انطباق عنوان ضلال و اضلال بر بناهای مذکور که به آن تصریح شده است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۵/۱۸۸؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ۷۴/۱۳) از سوی دیگر، تردیدی در مبنا بودن ادله مذکور بر حکم به حرمت احداث و وجوب تخریب در اندیشه قائلان به آن باقی نمی‌گذارد. بر این اساس، از آن‌جا که معابد اقلیت‌های دینی محلی برای ترویج مکتب و مشرب فکری مخالف دین اسلام به‌شمار می‌روند و مصداق ضلالت و گمراهی است و از آن‌جا که حفظ یا ایجاد اسباب ضلالت و گمراهی بنا بر ادله معتبر حرام است (یزدی، ۱۴۱۵ق، ۳۰۵/۲) مطابق ادله و وجوب قلع ماده فساد و ازاله پلیدی از جامعه اسلامی، تخریب آن‌ها واجب است.

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

۲. معاونت در اثم

دلیل دیگری که برخی فقیهان به آن تمسک کرده‌اند و با استناد به آن نه تنها موارد چهارگانه نگهداری، ترمیم، تجدید بنا و احداث بناهای مذکور را حرام دانسته‌اند، بلکه با استناد به آن حاکم اسلامی را موظف به تخریب و هدم بنای موجود نیز دانسته‌اند، دلیل حرمت اعانه بر اثم است. آنان بر این باورند که رضایت به موارد مذکور از سوی حاکم اسلامی همراهی با کفار در گمراهی و ضلالتی است که گناه است و این به منزله اعانه در اثم او خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸۱/۲۱). بنابراین از آن‌جا که موارد چهارگانه فوق و همراهی با آن مصداق اعانه بر اثم است و این عمل از سوی شارع مقدس منهی عنه است (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۲۲۵-۲۳۷) بنابراین موارد مشمول این عنوان نیز حرام خواهد بود. صاحب جواهر تنها فقیه از میان فقهای امامیه

۱. علاوه بر دلیل عقل که بر ملازمة حسن و قبح عقلی استوار شده روایاتی همچون روایت منقول از ابن ابی عمیر نیز به‌عنوان مستندات وجوب قلع ماده فساد بیان شده است (خویی، ۱۴۱۷ق، ۱/۲۵۵).

است که براساس حرمت معاونت بر اثم، حکم به حرمت نگهداری و احداث بناها مذکور داده است. او پس از استناد به دلیل مذکور، مبنای مالکیت سرزمینی را مطرح کرده است. همچنین دلیل سابق مالکیت مسلمانان در این خصوص را مانع جواز احداث و نگهداری معابد اقلیت‌های دینی دانسته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۱/۲۸۱).

۳. روایات نهی از احداث و حفظ

علاوه بر دو دلیل سابق، برخی روایات مستند حکم به حرمت نگهداری و احداث و ترمیم معابد مذکور قرار گرفته‌اند.

روایت اول

علامه حلی در تذکرة الفقها و منتهی المطلب از ابن عباس روایتی را به صورت مرسل نقل کرده است که بررسی‌ها نشان‌گر وجود آن در السنن بیهقی^۱ و الخراج قاضی است (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۹/۳۳۹؛ ابویوسف قاضی، ۱۳۹۹ق، ۱۱۴۹). در این روایت از پیامبر اسلام ﷺ نقل است که فرمودند: «هر سرزمینی که عرب آن را آباد کرده و در آن سکنی گزینند، اهل ذمه حق ندارند در آن معبدی بنا کنند و بنایی که از قبل وجود داشته است از آن مسلمانان است». همچنین روایت دیگری نیز در ادامه روایت نخست و در همان مضامین و تعابیر توسط علامه نقل شده است با این تفاوت که در روایت دوم هیچ‌یک از راویان حدیث نامی برده نشده است. او با استناد به دو روایت فوق احداث هرگونه معبدی را برای اقلیت‌های دینی در سرزمین اسلامی حرام دانسته و معتقد است چنانچه بر امکان ایجاد آن میان مسلمانان و کفار مصالحه‌ای نیز صورت بگیرد، پیمان مذکور باطل خواهد بود، زیرا بناهای مذکور مجامع کفر است و احداث چنین مراکزی در ملک مسلمانان جایز نیست (حلی، بی تا، ۲/۹۷۲؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۹/۳۳۹).

روایت دوم

سبزواری در مذهب الاحکام روایتی را به صورت مرسل از امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. بیهقی روایت دیگری از خلیفه دوم در همین مضامین نقل کرده که به جهت ضعف سند از نقل آن خودداری شد (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۹/۳۳۹).

نقل کرده است که فرموده اند: «پیامبر خدا ﷺ از احداث کنیسه‌ها در اسلام نهی کرده است». آن‌گاه با استناد به این روایت و روایتی که پیش از این مورد بحث قرار گرفت، بناهای مذکور را خانه‌های گمراهی و فساد و شرارت دانسته است و به حرمت احداث آن در سرزمین‌های اسلامی حکم داده است. البته بیان او منحصر است به مسأله احداث بناهای مذکور، اما مطابق دیدگاه او نگهداری چنین ساختمان‌هایی با توجه به صلاح‌دید ولی امر مسلمین مجاز است و صرفاً ایجاد آن‌ها در نگاه سبزواری در مذهب الاحکام ممنوع است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۵/۱۸۸). این روایت در کتب حدیثی دیگر نیز نقل شده است (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۱/۳۸۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۱/۱۰۱). نزدیک به این مضمون روایت دیگری نیز به نقل از امیرالمؤمنین علیؑ از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند: «در اسلام کنیسه ایجاد شده‌ای نیست» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۱/۳۸۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۱/۱۰۱) و در حرمت احداث معابد غیرمسلمانان ظهور دارد.

۴. اجماع

برخی فقها علی‌رغم اختلافاتی که در خصوص فروع سه‌گانه احداث یا نگهداری یا ترمیم و تجدید بنای معابد غیرمسلمانان دارند، اجماع را از جمله مستندات حکم به حرمت قرار داده‌اند. از این میان، برخی تمامی مصادیق مختلف مورد بحث را علی‌العموم مشمول حکم حرمت دانسته‌اند و بر این دلیل استناد کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر بعضی از وجوه تفصیلی به حرمت را اجماعی دانسته‌اند. تنها نمونه از گروه نخست، نظر ابن زهره در غنیة النزوع است. او ذیل شرایط جزیه با اشاره به این مسئله معتقد است کفار نباید برای خویش معابد قرار دهند یا آنچه را که نابود می‌شود تجدید بنا کنند که هرگونه مخالفت با این حکم به منزله خروج آنان از ذمه و برخورد با آنان همچون کفار حربی خواهد بود (حلبی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۳). بررسی این دیدگاه چنین به نظر می‌رسد که حکم ممنوعیت در نگاه ایشان شامل احداث و تجدید بنای معابد است و همانطور که در پایان نیز به آن اشاره کرده است، مستند حکم صرفاً اجماع امامیه است و عبارت ایشان که فرموده است «و لا یتخذوا بیعة و لا کنیسه و لا یعدوا ما استهدم من ذلك» به روشنی گواه عمومیت حکم حرمتی

احداث، نگهداری و ترمیم معابد اقلیت‌های دینی در فقه امامیه

۲۰۳

است که دربرگیرنده مصادیق مختلف احداث و تجدید بنا است. البته قسمت دوم بیان او که مطابق آن تجدید بنای معابد مذکور حرام دانسته شده است را می‌توان بر اذن تلویحی به نگهداری بناهای مذکور حمل کرد، زیرا صرف ممنوعیت تجدید بنا ممکن است دال بر پذیرش معابد موجودی باشد که ممکن است در آینده به جهت فرسودگی ساختمان ویران شوند، ولی به جهت وجود احتمال عرفی دیگر و مطابق قاعده احتمال مبطل استدلال است (خواجه‌نوی، ۱۴۱۸ق، ۱۸۴). حمل بر احتمال نخست جایز نیست، زیرا ممکن است مقصود او بناهایی باشد که پیش از قرارداد جزیه وجود داشته ولی همان زمان نیز نابود شده است. بنابراین به آن جهت که تصریحی در این خصوص وجود ندارد و ظهوری نیز از کلام در این خصوص قابل دریافت نیست، نهایت چیزی که می‌توان به ابن‌زهره در این خصوص انتساب داد سکوت در مورد حکم به نگهداری و ترمیم بناهای مذکور است. بر این اساس مطابق دیدگاه ابن‌زهره هرگونه احداث و تجدید بنای معابد غیرمسلمانان به اجماع امامیه حرام است و هتک این حرمت موجب مسئولیت برای مرتکبان آن خواهد بود.

محقق سبزواری نمونه‌ای از گروه دوم است که با نگاه تفصیلی میان احداث و سایر موارد و این که بنای مذکور در سرزمین اسلامی باشد یا خیر قائل به حرمت شده است. او بدون اشاره به حکم نگهداری و ترمیم و تجدید بنا با اندک تفاوتی در خصوص مسئولیت ناشی از عدم التزام به حکم و با انحصار حکم حرمت به سرزمین‌های اسلامی معتقد است به اجماع امامیه، مسیحیان و یهودیان مطلقاً مجاز به احداث معبد در سرزمین‌های اسلامی نیستند، اما در این که عدم التزام به حکم مذکور موجب نقض معاهده جزیه ازسوی او می‌شود یا خیر، میان امامیه اختلاف است (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۱/۳۷۱). بررسی این سخن بیانگر تمایل او به نگاه تفصیلی است، زیرا اولاً در خصوص نگهداری و ترمیم و تجدید بنا اظهار نظری نکرده است و ثانیاً نسبت به غیر سرزمین‌های اسلامی نیز حکمی را بیان ننموده است. بنابراین اجماع مستند او صرفاً در خصوص حرمت احداث معابدی است که در سرزمین اسلامی واقع شده باشد «و خوب می‌دانیم که اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند و نفی شیئی نیز اثبات ماعدا نمی‌کند» (محمدی‌خراسانی، ۱۳۸۶، ۱/۱۶۴). بنابراین تفصیل ایشان نافی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۰۴

دیدگاه ابن زهره نیست و می‌توان اجماع او را با اجماع مورد ادعای ابن زهره قابل جمع دانست، زیرا این که احداث در سرزمین مسلمانان حرام است به منزله جواز ترمیم و نگهداری یا تجدید بنای مذکور نیست تا میان دو اجماع تعارض وجود داشته باشد. بنابراین اجماع مورد ادعای ابن زهره و اجماع مورد ادعای محقق سبزواری با هم قابل جمع هستند.

سایر اجماعاتی که در دیدگاه‌های تفصیلی دیگر به عنوان دلیل حکم به حرمت قرار گرفته‌اند نیز بر همین مبنا قابل جمع است. بنابراین مطابق دیدگاه صاحب جواهر چنانچه شرط ضمن معاهده مبنای تفصیل به حرمت یا عدم آن باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸۳/۲۱)، در صورتی که شرط عدم احداث یا شرط تخریب با اقلیت‌های دینی شده باشد، احداث مطلقاً حرام و تخریب واجب خواهد بود و در صورت عدم شرط احداث و ملحقات آن مطلقاً جایز خواهد بود، زیرا بیان او شرطی است و از مفهوم بیان او چنین فهمیده می‌شود. یا مطابق تفصیل دیگر که سبقت وجودی را مبنای حرمت و عدم حرمت قرار داده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۷۸/۳) اجماع دلیل حرمت قرار گرفته است و از آن جا که نوع بیان قائلان آن، شکی در تعارض با سایر اجماعات ادعایی ایجاد نمی‌کند، بنابراین ادعای اجماع به عنوان یکی از ادله حکم به حرمت احداث و نگهداری و ترمیم و تجدید بنای معابد اقلیت‌های دینی در نگاه فقهای امامیه به عنوان یکی از مستندات حکم ادعایی به جا و پذیرفته شده است.

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

۲۰۵

نقد مدارک

۱. رد دلیل نخست (وجوب قلع ماده فساد)

این که معابد اقلیت‌های دینی مصداق ماده فساد تلقی گردند و با توجه به وجوب قلع ماده فساد، حکم به وجوب هدم و حرمت نگهداری آن‌ها شود، چندان موجه به نظر نمی‌آید، زیرا اولاً نگهداری یا احداث بناهای مذکور تنها در صورتی می‌تواند بر این مبنا حرام باشد که به یقین یا به احتمال قریب به یقین مفسده گمراهی بر آن مترتب شود، مثلاً مرکز تبلیغ و ترویج افکار و عقاید خلاف اسلام باشد، حال آن که اگر چنین نباشد یا مفسده احتمالی فوق با یک مصلحت مهم‌تر و قوی‌تری معارض

شود، دیگر دلیلی بر رجحان حکم به حرمت اقدام مذکور وجود نخواهد داشت، مگر این که قائل به وجود اجماع در این خصوص باشیم که این خود به‌عنوان دلیلی مستقل مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت. ضمن این که تعطیلی مراکز دینی غیرمسلمانان به احتمال ترویج افکار ضالّه با توجه به تحولات تمدن جدید بشری و امکانات ناشی از ارتباطات مجازی احتمالی فاقد وجاهت عقلایی است. ثانیاً دلیل اجتهادی وجود دارد که اگرچه التزام به غیر اسلام مورد نهی قرار گرفته است، اما نه‌تنها دلیلی بر نهی غیرمسلمانان از انجام عباداتشان وجود ندارد بلکه انجام اعمال عبادی آنان بدون تجاهر به ضدیت با احکام اسلامی پذیرفته شده و به رسمیت شناخته شده است. بنابراین مطابق سخن امام صادق علیه السلام که فرموده است «هر قومی که به دینی متدین می‌شود به احکام همان دین ملزم خواهد بود» (طوسی، ۱۳۹۰، ۱۸۹/۴) اگر حکم به جواز عمل غیرمسلمانان براساس احکام غیراسلامی در ارث و وصیت و خانواده داده شده باشد، دلیل منع از ارتکاب دنیوی آنان به عباداتشان چه چیزی می‌تواند باشد؟ آری مأجور بودن یا نبودن عمل در آخرت امر دیگری است که خارج از موضوع بحث است، ولی اعطای مجوز عام به غیرمسلمانان به این بیان که بتوانند در حریم خصوصی خودشان براساس احکام دینی خودشان اقدام کنند، به منزله ترخیص عمل عبادی آنان در زندگی دنیوی آنان نیز هست و به همین جهت است که برخی فقها ارتکاب عمل غیرمسلمانان را مطابق با دینشان جایز دانسته‌اند (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ۱/۴۹۹). مطابق آنچه شیخ طوسی در استبصار ذیل حدیثی که قبلاً بیان شد آورده است مقصود از عبارت «يَلْزَمُهُمْ حُكْمُهُ» اگرچه همان مفهوم قاعده الزام است که مطابق آن مسلمانان می‌توانند بر غیرمسلمانان مطالباتی را مطرح کنند که ایشان در دینشان به آن معتقدند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ۳/۱۸۱). اما این برداشت مفهوم انحصاری از دلیل نیست، بلکه مطابق روایت «يَجُوزُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ دِينٍ دِينِ مَا يَسْتَحِلُّونَ» (طوسی، ۱۳۹۰، ۴/۱۴۸) مفهوم عام‌تری را دربرمی‌گیرد و آن جواز عمل غیرمسلمانان براساس احکام دینی خودشان است که عبادات نیز از جمله این احکام به‌شمار می‌رود، هرچند محدوده جواز عمل آنان صرفاً در دایره قرارداد ذمه قابل تعریف و تفسیر است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۰۶

۲. رد دلیل دوم (حرمت معاونت در اثم)

پذیرش دینداری اقلیت‌های دینی به منزله پذیرش جواز عبادت آن‌ها در جامعه اسلامی است. بنابراین اولاً اصل اِثم بودن عمل آنان پس از حکم به جواز آن از سوی شارع مقدس، اول بحث است و استناد به چنین دلیلی قرار دادن محل بحث به عنوان دلیل است، ثانیاً حکم به حرمت چنین چیزی با قاعده ملازمه اذن به شیء با اذن به لوازم آن شیء (شهید اول، بی تا، ۱/۲۳۰) در تعارض است، زیرا اگر شارع مقدس حکم به جواز انجام عبادات از سوی اقلیت‌های دینی داده باشد، چگونه ممکن است از عبادتگاه آنان که محل انجام عبادات آنان است منع نموده باشد، حال آن که اذن به شیء مستلزم اذن به لوازم آن شیء است. ثالثاً استناد به قاعده اعانه اِثم جهت اثبات حرمت موارد چهارگانه فوق مستلزم دور است، زیرا اگر پرسیده شود دلیل حرمت چیست؟ پاسخ آن قاعده حرمت اعانه اِثم است و اگر پرسیده شود اِثم مقصود قاعده چیست؟ پاسخ آن یا حرمت موارد چهارگانه است که این دور مصرح است و دور باطل است یا در پاسخ گفته می‌شود ضلالت و گمراهی است که بطلان این سخن در ردیه نخست ثابت شد. بنابراین نمی‌توان حکم به حرمت موارد چهارگانه را با استناد به قاعده حرمت اعانه بر اِثم ثابت کرد. ضمن این که براساس آنچه در ردیه دلیل نخست آمد، اباحه عمل عبادی غیرمسلمانان صرفاً از جهت عمل دنیوی است و این به منزله اعتباربخشی به عبادات آنان به وجه مقرّبت مطرح در عبادات اسلامی نیست، بلکه صرفاً به جهت ترخیص ارتکاب دنیوی عمل از سوی آنان است.

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

۲۰۷

۳. نقد روایات نهی از احداث و حفظ

مستندات روایی حرمت که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت، دچار ضعف سندی و دلالتی است، زیرا روایت نخست که در منتهی المطلب و تذکره الفقهای علامه آمده است، مرسل است و از میان راویان آن تنها به ابن عباس اکتفا شده است، ضمن این که در هیچ‌یک از مصادر حدیثی امامیه نقلی از این روایت وجود ندارد و تنها منبع روایی در دسترس در السنن و الخراج است که نزد امامیه فاقد اعتبار روایی لازم است و بر فرض جبران سند آن به شهرت، منطوق صریح روایت مانع از جریان

آن به عموم حرمت احداث و نگهداری و ترمیم بناهای مورد بحث است. بلکه به جهت انحصار دلالت آن بر حرمت احداث معابد غیرمسلمانان در بلاد مسلمین، دلیلی خاص به شمار می‌رود و قاصر از اثبات عموم حرمت احداث و نگهداری و ترمیم است.

روایت دوم نیز اگرچه در مستدرک الوسائل محدث نوری نقل شده است و دعائم الاسلام نیز به نقل آن پرداخته است، ولی به سبب تردید در مصدر اصلی روایت یعنی کتاب جعفریات سند روایت مورد تردید و ابهام است، زیرا اعتبار سندی کتاب جعفریات به واسطه وجود موسی بن اسماعیل ثابت نیست (خوبی، ۱۴۱۳ق، ۲۰/۲۰؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ۹۲/۲) و نزد فقیهان امامیه استناد به آن مورد تردید و تشکیک قرار گرفته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸۱/۲۱). بنابراین روایت دوم نیز اشکال سندی دارد و قابل استناد نیست. علاوه بر این، از جهت دلالت نیز روایت مذکور صرفاً بر حرمت احداث بناها دلالت دارد و از این جهت قاصر از اثبات حرمت ترمیم و نگهداری است.

با وجود این و برفرض چشم‌پوشی از اشکال سندی وارد بر دو روایت فوق و جبران اعتبار آن با مبنای مشهور که اصل پذیرش چنین مبنایی خود محل بحث و نزاع است، (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۵۸۷/۱) روایات مذکور قاصر از اثبات حرمت بر عموم احداث و نگهداری و ترمیم است و صرفاً ثابت کننده حرمت احداث معبد در بلاد اسلامی است. بر این اساس، نگهداری و ترمیم خارج از مدلول روایت است و مشمول حکم اولی حرمت نخواهند بود، هرچند پذیرش حرمت احداث نیز نسبت به مصادیق مختلف آن عمومیت ندارد و با دلایل دیگری مورد تردید و تشکیک قرار خواهد گرفت. مؤید این نظر وجود روایاتی است که به واسطه نقل آن در مصادر حدیثی معتبر امامیه به جهت سند از اعتباری فزون‌تر از روایات حرمت برخوردارند و از جهت دلالتی نیز تصریح بر وجوه ترخیصی داشته‌اند و به واسطه سیره و فتوا از استحکام بیشتری برخوردارند. مثلاً روایتی منقول از محمدبن قیس از امام باقر علیه السلام است که مطابق آن امیرالمؤمنین علیه السلام یهودی و مسیحی و همچنین مجوسی ای که اظهار به شرب خمر در بلاد مسلمین می‌کرد را به هشتاد ضربه شلاق مجازات می‌کرده است، اما اگر آن‌ها در منازل یا معابد خود چنین می‌کردند، تعرضی به آنان نمی‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۰۸

۲۳۹/۷: مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۳۸/۱۰: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۸/۲۲۸). اگرچه وجود محمد بن قیس و ارسال در سند حدیث موجب توهم ضعف سند آن است، اما به واسطه نقل آن در مصادر حدیثی معتبر امامیه همچون کافی، من لایحضره الفقیه و وسائل الشیعه و وجود سیره بر مفهوم دلالتی روایت این توهم برطرف شده و سند حدیث تقویت می‌شود. البته روایات دیگری نیز در این خصوص وجود دارند (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۹/۳۳۹) که به جهت ضعف سندی از ذکرشان خودداری می‌شود.

مطابق مفهوم روایات محمد بن قیس، امیر المؤمنین علیه السلام با شارب خمری که غیر مسلمان بوده است و در معبد متعلق به خودشان به شرب خمر پرداخته برخورد قضایی نمی‌کرده‌اند، اگرچه مصونیت قضایی چنین شرب خمری مدلول اصلی روایت است، اما این تنها یکی از مدلول‌های روایت مذکور به‌شمار می‌رود و آنچه در روایت مذکور قدر متیقن لحاظ شده است، اصل ترخیص وجود معبد نزد غیر مسلمانان است. آری حدیث فوق دلالتی بر تجویز احداث و نگهداری و ترمیم یا تجدید بنای معابد مذکور ندارد و این موضوعی است که اثبات آن نیازمند دلایل دیگری است، اما آنچه به‌عنوان فرض مسلم در متن روایت لحاظ شده است، پذیرش وجود معابدی برای غیر مسلمانان همچون پذیرش منازلی برای آنان است که با حضور در این مراکز از آزادی عمل خاصی برخوردار خواهند بود و این مفهوم اعم از احداث و ترمیم یا نگهداری و تجدید بنا است و این گواه ترخیص اجمالی در خصوص معابد غیر مسلمانان در نگاه دلیل شرعی و نافی اصل حرمت در موضوع حکم است.

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

۲۰۹

۴.۱.۴ اجماع

یکی دیگر از مستندات حرمت احداث و نگهداری و ترمیم یا تجدید بنای معابد غیر مسلمانان دلیل اجماع است، در حالی که دلیل مذکور قاصر از اثبات عموم

۱. در بسیاری از مصادر حدیثی روایاتی وجود دارد که اصل وجود معابد غیر مسلمانان در آن‌ها انکار نشده است و بلکه در برخی موارد می‌توان احکام نماز در این معابد را مشاهده نمود و این مفهوم دلالت بر وجود سیره جاری در جامعه اسلامی نسبت به پذیرش اجمالی مصادیقی از معابد غیر مسلمانان در جامعه اسلامی از نگاه شارع مقدس باشد. به‌ویژه که در موارد مذکور غالباً سؤالاتی از معصوم علیه السلام صورت گرفته است و ایشان بدون آن که تصریح یا تلویحی در نفی معابد داشته باشند به بیان حکم عمل مسلمان در این خصوص اکتفا کرده‌اند.

حرمت به نحوی است که بتواند دربرگیرنده تمامی مصادیق و فروع حکم حرمت باشد، زیرا اولاً فارغ از این که اصل حجیت و اعتبار اجماع نزد برخی اصولیان امامی مورد تشکیک واقع شده و این گونه نیست که اجماع نزد همه فقهای امامیه معتبر باشد (مظفر، ۱۴۳۰ق، ۱۱۶/۳). با وجود روایات پیش گفته اجماع مذکور اجماع مدرکی است که مخالفت با آن نزد آنانی که اجماع را به عنوان مستندی معتبر پذیرفته اند، نیز فاقد اعتبار است (ایروانی، ۱۳۸۶، ۵۳/۲). بنابراین مخالفت با آن بلاشکال است.

ثانیاً اجماع مذکور به آن جهت که قابل انحلال است، نسبت به تمامی موارد معتبر نیست و حکم هر مورد به صورت جداگانه نیازمند بررسی و تطبیق است، زیرا یا بر آنچه مورد اجماع قرار گرفته روایت وجود دارد که اجماع مدرکی است و آن مواردی است که یا بناها در ملکیت مسلمانان و در سرزمین اسلامی است که برخی قائل به حرمت شده اند و دلیل آن را اجماع دانسته اند، یا صرفاً احداث بناهای مذکور موضوع بحث است نه نگهداری و ترمیم یا تجدید بنا، و از آن جا که استنادکنندگان به دلیل اجماع در این گونه موارد همواره به دلیل روایت نیز تمسک نموده اند، بنابراین در همه این موارد به جهت وجود روایت، اجماع مورد استناد ایشان مدرکی بوده و از درجه اعتبار ساقط است و یا ادعای اجماع در مواردی است که اگرچه در آن ها روایتی وجود ندارد، اما به جهت آرای مخالف، اصل تحقق اجماع در آن موارد محل تردید است. از این جمله می توان به موافقت برخی فقها با تمامی موارد چهارگانه در صورت شرط نمودن آن ها در معاهده دولت اسلامی با کفار اشاره کرد به نحوی که علی رغم ادعای اتفاق نظر بر حرمت چنین معاهداتی (حلی، ۱۴۱۰ق، ۴۷۵/۱)، برخی دیگر به وضوح بر جواز پذیرش شرط احداث نظر داده و آن را جایز دانسته اند (حلی، ۱۴۲۰ق، ۲۱۵/۲). بنابراین این گونه نیست که بتوان در بناهای مذکور با تکیه بر اجماع، اصل را بر حرمت نهاد، بلکه حکم موردی است و اجماع نمی تواند دلیل معتبری در این خصوص باشد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۱۰

دیدگاه منتخب

بررسی آرای مختلف امامیه که دایره آن از حرمت علی الاطلاق تا حرمت

تفصیلی متغیر است، بیانگر مردود بودن پذیرش اصل حرمت در هر یک از فروعات چهارگانه احداث و نگهداری و ترمیم و تجدید بنای معابد اقلیت‌های دینی و صحت دیدگاه اناطه حکم در هر یک از این موارد به صلاح دید حاکم اسلامی است. البته آن گونه که در پژوهش‌های مستقلی پیش از این به اثبات رسیده است موارد چهارگانه فوق در راستای دسترسی و مشارکت فرهنگی به عنوان یکی از حقوق شهروندی شهروندان اقلیتی در برخورداری‌های فرهنگی آنان است (نوریان و آدینه، ۱۳۹۶). از این رو مصلحت‌سنجی حاکم اسلام را باید مبتنی بر اصل آزادی اندیشه و عمل شهروندان در جامعه اسلامی و حقوق شهروندی دانست که اعتبار آن به دلایل زیر استوار است.

دلیل اول: فقدان دلیل حرمت، دلیل بسط‌ید حاکم اسلامی

آنچه در میان اصولیان مشهور است وجود تفاوت مبنایی است که از آن به اصالة الحظر و اصالة الاباحه تعبیر شده است. مشهور امامیه که مبنای ترخیصی بودن اعمال را پذیرفته‌اند، حکم به آزادی عمل مکلف داده‌اند و اصل را بر مباح بودن و مشروع بودن رفتار او قرار داده‌اند، مگر دلیلی بر ممنوعیت آن بیابند تا حکم به حرمت آن نمایند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۲/۹۲-۹۰). پذیرش این مبنا حقی برای شهروندان جامعه اسلامی ایجاد می‌کند که در صورت نیاز یا حتی اراده، مجاز به انجام هر فعل یا ترک فعلی خواهند بود و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند مانع از ارتکاب آن شود یا آنان را ملزم به انجام فعلی کند، چرا که دلیل شرعی موجهی برای جلوگیری و مانعیت در این خصوص وجود ندارد. بنابراین صرف فقدان مانع از عمل که می‌تواند جنبه وجودی یا عدمی داشته باشد، دلیلی موجه بر وجود مقتضی آزادی عمل شهروندان خواهد بود که این عبارتی دیگر از همان اصالة الاباحه‌ای است که فقیهان امامی پذیرفته و آن را مبنای فتوای خویش قرار داده‌اند.

قرارداد میان حاکم اسلامی و اقلیت‌های دینی و توافق آن‌ها بر اساس مصلحت‌سنجی جامعه اسلامی بر شرط جواز یا شرط عدم جواز هر یک از موارد چهارگانه محل بحث نیز خارج از عموم قاعده فوق نیست. بنابراین، فقدان دلیل معتبری که حاکی از حرمت موارد فوق باشد، چنین اختیاری را به حاکم اسلامی می‌دهد تا بتواند حسب

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

صلاح دید خویش عمل کند و با کفار ذمی در خصوص معابدشان به توافق مورد نظر خویش اقدام نماید و از آن جا که عدالت شرط تصدی مقام ولایت در حاکم اسلامی است، بنابراین اصل بر رعایت تشخیص و اقدام صحیح او در این زمینه خواهد بود، ضمن این که اصل صحت نیز معاضدت حکم به صحت عمل او خواهد کرد، و به آن جهت که اقلیت ها شهروند جامعه اسلامی به حساب می آیند به حکم شهروندی خویش، تا زمانی که خلاف حقوق شهروندی خود با حاکم اسلامی توافقی نکرده باشند، یا به اختیار و انتخاب دیگران آسیب نرسانند از اختیار و حق انتخاب و عمل بر اساس مناسک دینی خویش برخوردارند.

دلیل دوم: قاعده ملازمه اذن به شیء با اذن به لوازم شیء

همان طور که پیش از این و در رد ادله حرمت نیز اشاره شد، اذن شارع مقدس بر جواز عمل غیرمسلمانان بر اساس احکام دینیشان، مستلزم اذن به لوازم انجام آن اعمال است، زیرا اگر برای مثال شارع مقدس حکم به جواز انجام عبادات از سوی اقلیت های دینی داده باشد، چگونه ممکن است از عبادتگاه آنان که محل انجام عبادات آنان است منع کرده باشد، حال آن که اذن به شیء مستلزم اذن به لوازم آن شیء است. بنابراین مطابق بیان عامی که از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرموده اند: «يَجُوزُ عَلَيَّ أَهْلُ كُلِّ دِينٍ مَا يَسْتَحِلُّونَ» (طوسی، ۱۳۹۰، ۴/۱۴۸) عمل غیرمسلمانان مطابق با احکام دینیشان تا زمانی که در تعارض با معاهده آنان با حاکم اسلامی قرار نگیرد، جایز است. از این رو همان طور که دلیلی بر منع الزام ایشان به احکام دینیشان در احوال شخصیه وجود ندارد، دلیلی بر منع ایشان از انجام عباداتشان نیز وجود ندارد، زیرا اولاً تفاوتی میان احوال شخصیه با عبادت در انتساب حکم به شریعت آنان نیست و ثانیاً ترخیص عبادت چیزی غیر از مأجور بودن یا نبودن عمل آنان در آخرت است، بلکه صرفاً به منزله ترخیص عمل عبادی آنان در زندگی دنیوی است. به همین جهت است که برخی فقها ارتکاب عمل غیرمسلمانان را مطابق با دینشان جایز دانسته اند (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ۱/۴۹۹) و چگونه ممکن است شرب خمری که تردیدی بر حرمت آن در شریعت اسلامی وجود ندارد نزد غیرمسلمانان جایز

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۱۲

دانسته شود و حکم به مسئولیت خسارت‌زننده به آن نیز داده شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۵/۳۷-۴۴) اما از عمل عبادی در حریم خصوصی ایشان جلوگیری شود، حال آن‌که به لحاظ مفسده، شرب خمر افسد از عبادت خداوند به غیر شریعت اسلامی است. بنابراین پذیرش اقرار آنان به دینی غیر از اسلام به منزله پذیرش اقرار آنان در احکام دینشان خواهد بود، مگر حاکم اسلامی به صلاح دید خویش امر دیگری را بر آن‌ها شرط کند و آنان را به آن ملتزم کرده باشد که آن‌گاه براساس قاعده اقدام (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۹۳/۱-۹۲) متعهد به قرارداد ذمه و شروط ضمن آن خواهند بود و مطابق معاهده مذکور با آنان رفتار خواهد شد.

نتیجه‌گیری

بنابر مستندات رد ادله حرمت که پیش از این ثابت شد، با یقین به حکم اولیه‌ای که از سوی شارع مقدس در خصوص بناهای مذهبی و معابد اقلیت‌های دینی بیان شده است، موارد چهارگانه مرتبط با معابد اقلیت‌های دینی (احداث، نگهداری، ترمیم و تجدید بنای معابد دینی) حرمت نخواهند داشت. بر این اساس و با توجه به مبنای مشهور امامیه در اباحه عمل و قاعده ملازمه اذن به شیء با اذن به لوازم آن شیء و استفاد از حق آزادی عمل و اندیشه شهروندان در جامعه اسلامی و نیز عموم حق شهروندان در برخورداری‌های فرهنگی، چنین است که حاکم اسلامی مجاز است با اقلیت‌های دینی در احداث، نگهداری، ترمیم و تجدید بنای معابد دینی آنان توافق کند. همچنین برحسب نوع قراردادی که میان حاکم اسلامی و اقلیت‌های دینی تحت عنوان قرارداد ذمه منعقد می‌شود، صاحبان بناهای مذکور مختار به اقدامات لازم در خصوص این مراکز خواهند بود. از این رو متغیر حاکم بر احداث، نگهداری، ترمیم و تجدید بنای معابد اقلیت‌های دینی، وابسته به نوع انتخاب شهروندان اقلیتی در قراردادی است که بنابر صلاح دید، با حاکم اسلامی منعقد می‌شود و از این جهت تفاوتی در نوع سرزمین و سببه ملکیت آن وجود ندارد. بنابراین چنانچه حاکم اسلامی ضمن عقد ذمه با اقلیت‌های دینی، در عدم اقدام به یکی از موارد چهارگانه توافق کرده باشد، برحسب قاعده اقدام، آنان موظف به التزام شروط ضمن عقد

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

خویش خواهند بود و در صورتی که شرطی بر آنان نشده باشد، از آزادی عمل لازم برخوردار خواهند بود. از این رو این سخن که برخی فقها توافق حاکم اسلامی بر تجویزِ احداث، نگهداری، ترمیم و تجدید بنای معابد را حرام دانسته‌اند، فاقد مبنایی صحیح از نگاه ادله معتبر استنباطی است.

منابع

۱. ابراهیمی، مهدی. (۱۳۹۴). سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸ بررسی اصل سیزدهم. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۲. حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام. چاپ دوم.، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۴. ابویوسف قاضی، یعقوب بن ابراهیم. (۱۳۹۹ق). الخراج. بیروت: دارالمعرفة.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۲۸ق). فرائد الاصول. چاپ نهم. قم: مجمع الفكر الإسلامی.
۷. ایروانی، محمد باقر. (۱۳۸۶). الحلقة الثالثة في أسلوبها الثاني. تهران: قلم.
۸. بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ موسوی. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۹. بجنوردی، سید محمد بن حسن. (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه. چاپ سوم. تهران: مؤسسه عروج.
۱۰. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین. (۱۴۲۴ق). السنن الكبرى. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۷). ترمینولوژی حقوق. چاپ چهارم. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۲. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۱۴

۱۴. حسینی، سید علیرضا؛ و ناظری، محمدرضا. (۱۳۹۵). تأثیر قاعده فقهی نفی سبیل بر روابط بین الملل مسلمانان. معارف فقه علوی، ۲ (۳)، ۱۴۱-۱۶۴.
۱۵. حلبی، حمزه بن علی. (۱۴۱۷). غنیه النزوع إلى علمی الأصول والفروع. قم: مؤسسه الإمام صادق علیه السلام.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة. مؤسسه الإمام صادق علیه السلام.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف. (بی تا). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. بی جا: بی نا.
۱۹. خمینی، روح الله. (بی تا). تحریر الوسیلة. قم: دار العلم.
۲۰. خواجهنوی، محمد اسماعیل. (۱۴۱۸ق). جامع الشتات. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهه. قم: انصاریان.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. چاپ پنجم، بی جا: بی نا.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الامام الخویی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی.
۲۴. دشتی، تقی. (۱۳۹۰). بررسی حقوق اقلیت های قومی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. قم: پردیس فارابی تهران.
۲۵. رضایی، مجید و سید محمدعلی هاشمی. (۱۳۹۱). بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکرد به اندیشه های امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۱۴ (۵۷)، ۶۱-۸۶.
۲۶. روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه السلام. قم: مؤسسه الإمام صادق علیه السلام.
۲۷. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۴ق). المواهب فی تحریر احکام المكاسب. قم: مؤسسه الإمام صادق علیه السلام.
۲۸. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام. چاپ چهارم. قم: مؤسسه المنار.
۲۹. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن محقق. (۱۴۲۳ق). کفایة الاحکام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۳۰. سیاف زاده، علیرضا؛ میره ای، محمد؛ و نوده فراهانی، مرتضی. (۱۳۹۲). نقش کیفیت

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت های
دینی در فقه امامیه

- منظر شهری در ایجاد حیات اجتماعی و هویت مکانی شهر و ندان (مطالعه موردی: بزرگراه نواب). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، بهار (۱۱)، ۲۹-۴۰.
۳۱. سیمایی صراف، حسین. (۱۳۷۹). بررسی قاعده نفی سبیل و بعضی از نمودهای آن در فقه و حقوق. ماهنامه دادرسی، ۴ (۲۰)، ۲۴-۲۷.
۳۲. شرقی، علی. (۱۳۹۰). تأثیر کیفیت معماری منظر پردیس دانشگاهی بر کاربرد آموزشی آن (تحلیل کارکردی نظریه بازسازی تمرکز ذهنی و مطالعه دانشجویان در فضای باز). فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، ۸ (۱۸)، ۵۱-۶۲.
۳۳. طباطبایی یزدی، سید محمد. (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی. چاپ دوم. بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۳۶. عاملی، سید سعیدرضا و منیژه اخوان. (۱۳۹۱). بازنمایی عناصر هویت بخش شهری در سفرنامهها (مطالعه مقایسه‌ای تهران و شهرستان‌های استان تهران). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱ (۴)، ۷۵-۱۰۰.
۳۷. شهید اول، محمدبن مکی. (بی تا). القواعد و الفوائد. قم: کتابفروشی مفید.
۳۸. شهید اول، محمدبن مکی. (۱۴۱۴ق). غایة المراد فی شرح نکت الارشاد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۹. غوث، حسن؛ ناصری مقدم حسین؛ و مهریزثانی، محمد. (۱۳۹۵). تحول پذیری قرارداد ذمه با پیدایش حقوق شهروندی مدرن. فقه و اصول، ۴۸ (۲)، ۸۹-۱۱۵.
۴۰. قبولی، محمدتقی؛ احمدوند، محسن؛ و فخلعی، محمدتقی. (۱۳۹۷). قاعده نفی سبیل و چالش قانون پذیری اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی از نگاه فقه شیعه. پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، ۵ (۹)، ۱۱۱-۱۱۳.
۴۱. کامران، حسن؛ و زهرا امیری فرد. (۱۳۹۴). قاعده نفی سبیل و تطبیقاتها. فقه و اجتهاد، ۲ (۳)، ۹۸-۱۲۴.
۴۲. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۳. مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. چاپ دوم. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۱۶

۴۴. محمدی خراسانی، علی. (۱۳۸۶). شرح منطق مظفر. قم: الامام الحسن بن علی علیه السلام.
۴۵. مصطفوی صاحب، سوران؛ ساسان پور، فرزانه؛ پوراقدم، محمدرضا؛ و صادقی زاده، علیرضا. (۱۳۹۷). تبیین جایگاه نشانه‌های شهری در حفظ و ارتقای دلبستگی به مکان با تأکید بر تصویر ذهنی شهروندان (مطالعه موردی: شهرسندج). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۶ (۲)، ۳۳۱-۳۶۰.
۴۶. مظفر، محمدرضا. (۱۴۳۰ق). اصول الفقه. چاپ پنجم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۴۷. معینی فر، محمد؛ و جوادنیا، میثم. (۱۳۹۶). بررسی احکام مربوط به معابد نامسلمانان از دیدگاه مذاهب فقهی اسلام. پژوهشنامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، ۱ (۱)، ۵۷-۸۹.
۴۸. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل. مؤسسه آل‌البت علیهم السلام لإحياء التراث.
۵۰. نوریان، مهدی؛ و روح‌الله آدینه. (۱۳۹۶). دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق شهروندی در برخورداری‌های فرهنگی. مطالعات میان فرهنگی، ۱۲ (۳۱)، ۶۷-۹۱.
۵۱. یزدی، محمد. (۱۴۱۵ق). فقه القرآن. قم: موسسه اسماعیلیان.

احداث، نگهداری و
ترمیم معابد اقلیت‌های
دینی در فقه امامیه

References

The Holy Qur'an

1. Ibrahimi, M. (2015). A Series of Sessions of Detailed Reading of the Parliamentary Negotiations for the Final Review of the. (1979). Constitution. Review of the Thirteenth Principle. Tehran: Guardian Council Research Institute.
2. Ibn Idris Helli M. (1410). Al-Sara'ir al-Hawi fi Tahrir alFatawi. Qom: Islamic Publication Office of the Qom Seminary.
3. Ibn Hayoun N. (1385). Da'aem al-Eslam . Qom: Al al-Bayt Institute.
4. Abu Yousef Qazi Y. (1399). Alkharaj. Beirut: Dar al-ma'refat.
5. Ardabili A. (1403). Majma' al-Faede va alBurhan fi Sharh Irshad al-Azhan.Qom: Islamic Publication Office of the Qom Seminary.
6. Ansari M. (1428). Farraed al-Osul. Qom: Al-Fekr al-Eslami Forum.
7. Irvani MB. (2007). Al-Halqah al-thaathat fi Osloubeha al-Thani. Tehran: Qalam.
8. Bujnardi SH.1419. Al-Qawa'id al-Fiqhiyya. Qom: Nashr al-Hadi.
9. Bojnurdi SM. (1401). Qawa'id Fiqhiyya. Tehran: Uruj Institute.
10. Beihaghi. A. (1424). Al-Sonan al-Kobra. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
11. Ja'fari Langrudi MJ. Law Terminology. (1988). Tehran: Ganj Danish libraray.
12. Ha'eri Tabatabayee A, Riaz al-Masaal. (1418). Qom: Al al-Bayt Institute.
13. Hurre Ameli M. (1409). Wasa'il al-Shia. Qom: Al al-Bayt Institute.
14. Halabi H. (1417). Qoniat al-nozou' ela elmai al-osoul va al-forou'. Qom: Emam Sadegh institute.
15. Hilli H. (1414). Tazkerat al-Foqaha. Qom: Al al-Bayt Institute.
16. Hilli H. (1420). Tahrir al-Ahkam al-Shar'ie ala Mazhab al-Imamyia. Qom: Imam Sadegh Institute.
17. Hilli H. (No Data). Montaha al-matlab. No place.
18. Khumeini SR. (No Data). Tahrir al-Wasilah. Qom: Dar al-elm.
19. Khajoei. ME. (1418). Jami' al-Shetat. Islamic Publication Office of the Qom Seminary.
20. Khoei SA. (1417). Mesbah al-Feghahat. Qom: Ansarian.
21. Khoei SA. (1413). Mo'jam al-Rejal al-Hadith va Tafsil Tabaghat al-Rovat. No Place.
22. Khoei SA. (1418). Mousue' al-Imam al-Khoei. Qom: Center for Revival Imam al-Khoei's Works.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶
بهار ۱۴۰۱

۲۱۸

23. Dashti. T. (2011). Investigating the Rights of Ethnic Minorities in the Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran. Qom: Farabi Campus of Tehran.
24. Rohani SS. (1412). Fiqh al-Sadiq (A. S.). Qom: Imam Sadegh School.
25. Sobhani J. (1424). Al-Mavaheb fi Tahrir Ahkam al-Makaseb. Qom: Imam Sadegh Institute.
26. Sabzevari SA. (1413). Muhazzab al-Ahkaam. Qom: Al-Manar Institute.
27. Sabzevari. MB. (1423). Kefayat al-Ahkam. Qom: Islamic Publication Office of the Qom Seminary.
28. Sayyaf Zade A. Mireii M. Node Farahani M. (2007). The role of Urban Landscape Quality in Creating Social Life and Spatial Identity of Citizens (Case Study: Nawab Highway). Quarterly Journal of Islamic Iranian City Studies. N. 11, P. 11.
29. Sharghi A. (2005) .The Impact of the Architectural Quality of the University Campus on Its Educational Application (Functional Analysis of the Theory of Reconstructing Mental Focus and the Study of Students Outdoor). Quarterly Journal of Bagh Nazar. N. 18, P. 12.
30. Yazdi SM. (1409). Al-Eurwat al-Wuthqaa. Beirut: Al-a'lami le al-matbou'at.
31. Tousi M. (1390). al-Istibsar fi ma Ekhtalaf men al-Akhbar. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
32. Shahid Thani Z. Masalik al-Afham Ila Tanqih. Qom: al-Ma'arif al-Islamiyya institute.
33. Ameli SS, Akhavan M. (2006). Representation of urban identity elements in travelogues (comparative study of Tehran and cities of Tehran province). Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran, N. 4, P. 26.
34. Shahid Aval M. No Date. Al-Qawaed va al-Fawaed. Qom: Mofid Bookstoer.
35. Shahid Aval M. (1414). Ghayat al-Murad fi Sharh Nokat al-Irshad. Qom: Islamic Publication Office of the Qom Seminary.
36. Kulayni M. (1407). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
37. Majlesi MT. (1406). Rawzat al-Muttaqin. Qom: Kushanpour Islamic Cultural Institute.
38. Khorasani A. (2007). Sharh Mantegh Mozafar. Qom: Al-Emam Hasan bin Ali.
39. Mostafavi Saheb S. Sasan por F. Pur Aghdam MR. Sadeghi Zade A. (2018). Explaining the position of urban signs in maintaining and promoting attachment to the place with emphasis on the mental image of citizens (Case study: Sanandaj city). Geographical research of urban planning. N. 2, p. 30.

40. Mozafar MR. (1430). Osool al-Fiqh. Qom: Islamic Publication Office of the Qom Seminary.
41. Moeinifar M, Javadnia M. (2017). Examining the rulings related to non-Muslim temples from the perspective of Islamic jurisprudential religions. Journal of Comparative Studies of Jurisprudential Religions, N. 2 ,P. 32.
42. Najafi MH. (1404). Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'I' al-Islam. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
43. Nouri H. (1408). Muštadrak al-Wasa'il. Qom: Al al-Bayt Institute.
44. Yazdi M. (1415). Feghh al_Quran. Qom: Isma'ilian.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۲۲۰